

در باره زندگی رفیق شهید محمد سلیمانی



چریک فدایی خلق، رفیق محمد سلیمانی از زمرهٔ کمونیست‌های انقلابی در بندر عباس بود که در شکل دهی به "جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن"، هوادار چریک‌های فدایی خلق ایران در این شهر نقش فعالی داشت. رفیق سلیمانی زمانی که در دبیرستان "فروغی" بندر عباس درس می‌خواند، از سازماندهندگان تظاهرات پر شکوه و پر دوام دانش آموزان در حمایت و پشتیبانی از معلمین اخراجی و تعلیقی در سال ۵۸ بود. این تظاهرات در زمان خود در تغییر فضای شهر بندر عباس علیه جمهوری اسلامی و جلب توجه و نظر دانش آموزان به سازمان‌های سیاسی و از جمله چریک‌های فدایی خلق ایران نقش مهمی داشت. به دلیل نقش رفیق سلیمانی در این حرکت انقلابی بود که دبیرستان فروغی به یکی از مراکز تجمع و راهپیمایی دانش آموزان و معلمین بدل شده بود.

رفیق سلیمانی که رفیقی آگاه و پایدار بر آرمان‌های کمونیستی بود، به دلیل خصال مردمی اش قادر بود خیلی زود با دیگران رابطه ایجاد کرده و این رابطه را به رابطه‌ای سیاسی ارتقاء دهد. در حقیقت ارتباط گیری با توده‌ها و ارتقاء آگاهی آنها برای مبارزه علیه ظلم و نابرابری یکی از ویژگی‌های ارزشمند رفیق سلیمانی بود. رفیق سلیمانی همچنین در دوران تحصیل عضو تیم فوتبال "سینگو" بود که تعدادی از هواداران چریک‌های فدایی خلق ایران در آن تیم قرار داشتند. رفقای چون حسین رکنی، علی مهمی، محمد عظیمی، حمید معتقدی و محمد سلیمانی.

از آنجا که رفیق سلیمانی از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی، شاهد سیاست‌های سرکوبگرانه این رژیم وابسته به امپریالیسم بود و به طور هر چه واضح‌تر یورش حزب الهی‌ها را به تظاهرات معلمین و دانش آموزان به عینه تجربه کرده بود و می‌دید که رژیم حاکم به هیچ زبانی جز زبان زور سخن نمی‌گوید، خیلی زود به ماهیت رژیم تازه استقرار یافته پی برد. او با مطالعهٔ تئوری مبارزه مسلحانه خیلی زود بر ضرورت اعمال قهر انقلابی در پاسخ به قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی در شرایط یورش این رژیم به توده‌ها و سرکوب اعتراضات بر حقیقتان پی برد. وی بر این باور رسیده بود که نیروهای سرکوب دیکتاتوری حاکم را تنها در بستر جنگ انقلابی و تشکیل ارتشی مردمی می‌توان در هم شکست.

رفیق محمد سلیمانی یکی از رفقای بود که به خاطر فعالیت های انقلابی اش، مجبور گشت با شروع یورش های نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی به سازمان های انقلابی و از جمله چریکهای فدایی خلق ایران، زندگی مخفی در پیش گیرد. او در سال ۶۰ همراه با تعداد دیگری از رفقا به تهران منتقل شد. این رفقا قرار بود در چهارچوب فعالیت های هسته های سیاسی-نظامی در کرج و تهران فعالیت نمایند. اما، مدتی پس از انتقال رفیق سلیمانی، مزدوران رژیم رفیق را در تهران و مقابل دانشگاه تهران دستگیر کردند. در مورد دلیل دستگیری او اینگونه گفته شده که یکی از نیرو های اطلاعاتی جمهوری اسلامی بنام حسین فرج زاده معروف به "حسین چلو کباب" که سرپرستی روزنامه جمهوری اسلامی در بندر عباس را بر عهده داشت به طور اتفاقی رفیق را مقابل دانشگاه تهران می بیند و چون از سابقه فعالیت های این رفیق در بندر عباس اطلاع داشته با فریاد "ای دزد، ای دزد"، توجه دیگر مزدوران رژیم را به حضور او جلب کرده و باعث دستگیری وی می شود.

پس از دستگیری، رفیق را به شکنجه گاه اوین که در آن زمان جلا دادگاه لاجوردی بر آن فرمانروایی می کرد برده و زیر شکنجه های وحشیانه قرار دادند. ولی پس از شکنجه های اولیه، از آنجا که حوزه اصلی فعالیت های وی در بندرعباس قرار داشت، دژخیمان جمهوری اسلامی وی را از زندان اوین به زندان "شهرک" بندرعباس فرستادند. سرانجام جنایتکاران حاکم روز پنجم مرداد سال ۶۰ به گفته شاهدان عینی رفیق را در حالی که یک دستش به دست رفیق ناصر فراغی یکی دیگر از رفقای چریکهای فدایی دستبند زده شده بود به میدان تیر بردند و با شلیک به قلب سرخش به زندگی یکی دیگر از نسل "آتشکاران جنگل" پایان داده و جنایتی دیگر بر جنایات خود افزودند.

یاد رفیق محمد سلیمانی گرامی و راهش پر رهرو باد!